

یادداشت



کریم قنبری

مربی فوتبال

کم حوصلگی مدیران و ضعف برنامه‌ریزی

بی‌ثباتی روی نیمکت‌های لیگ برتر فوتبال ایران را نمی‌توان تنها به عملکرد مربیان نسبت داد. بخش مهمی از این وضعیت، ریشه در کم‌حوصلگی مدیرانی دارد که با اولین نتایج نامطلوب، مسیر تغییر سرمربی را در پیش می‌گیرند. بسیاری از این مدیران به لحاظ فکری تجربه و پختگی لازم برای مدیریت شرایط دشوار را ندارند و به جای پابندی به برنامه‌های بلندمدت، تحت‌تأثیر نتایج کوتاه‌مدت تصمیم می‌گیرند. لیگ برتر در شرایط خاصی برگزار می‌شود و توقف‌های مکرر مسابقات به دلیل بازی‌های آسیایی و قیفی‌داد، برنامه‌ریزی تیم‌ها را تحت‌تأثیر قرار داده است. تعطیلی‌های پیش رو نیز بر دشواری کار مربیان می‌افزاید. در چنین شرایطی، مدیران باید صبور باشند و به‌کادر فنی فرصت دهند تا برنامه‌های خود را اجرا کنند. البته نمی‌توان تمام ناکامی‌ها را به گردن مدیران انداخت؛ عملکرد مربیان، کیفیت فنی بازیکنان و ضعف در آماده‌سازی تیم‌ها نیز در نتیجه‌گیری نقش دارند. در این میان، فشار هواداران نیز به‌عاملی تعیین‌کننده تبدیل شده است. گاهی دو یا سه شکست کافی است تا فضای اعتراضی علیه باشگاه، سرمربی و بازیکنان شکل بگیرد. این رفتار محدود به تیم‌های پایین‌جدول نیست و حتی باشگاه‌های مدعی نیز از چنین فشاری در امان نمی‌مانند. نتیجه آنکه تصمیم‌های مدیریتی به‌جای آن‌کا به تحلیل فنی و ارزیابی عملکرد، تحت‌تأثیر فضای احساسی گرفته می‌شوند. هر باشگاه باید هویت فنی مشخصی داشته باشد و سرمربی را متناسب با اهداف و ساختار خود انتخاب کند. وقتی این هویت و اهداف ثابت نداشته باشند، اولین نتیجه نامطلوب بهانه‌ای برای برکناری مربی می‌شود. تغییرات شتاب‌زده‌ای که در برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس شاهدان هستیم، امروز به شکلی تکرارکننده در فوتبال ایران نیز رواج یافته و حتی در مواردی از آنها پیشی گرفته‌ایم.

از طرفی، مربیان جوان نیز باید مسیر حرفه‌ای خود را جدی بگیرند. پایان دوران بازیگری، لزوماً به معنای آمادگی برای سرمربیگری نیست. حضور در دوره‌های بین‌المللی مربیگری و کسب تجربه در لیگ‌های پایین‌تر ضرورتی انکارناپذیر است. اصرار بر رسیدن سریع به نیمکت تیم‌های بزرگ، بدون برخورداری از دانش و تجربه کافی، می‌تواند عمر مربیگری آنها را کوتاه کند؛ هرچند مدیرانی که بدون ارزیابی دقیق از این مربیان حمایت می‌کنند نیز در این روند سهم دارند. فوتبال اروپا از نظر ساختار، فنآوری، دانش فنی و تخصص نیروی انسانی، فاصله محسوسی با فوتبال آسیا دارد. الگوبرداری اصولی از این ساختارها می‌تواند به اصلاح مدیریت و برنامه‌ریزی فوتبال ایران کمک کند. پیشرفت زمانی ممکن است که تعهد در گفتار با رفتار هماهنگ باشد؛ تعهدی که باید در فدراسیون، باشگاه، مربی، بازیکن و هوادار دیده شود. تا زمانی که این فاصله میان حرف و عمل باقی است، بی‌ثباتی روی نیمکت‌ها همچنان یکی از موانع جدی پیشرفت فوتبال ایران خواهد بود.

یادداشت



اصغر مزایار

سرمربی پیشین تیم ملی نونهالان

تاوان مدیریت ناکارآمد

تغییر چهار مربی در ۹ هفته ابتدایی لیگ برتر فوتبال، چیزی جز نشانه‌ای روشن از نتیجه‌گرایی افراطی مدیران باشگاه‌ها نیست؛ رویکردی که در آن، نیمکت مربیگری اولین قربانی تیم‌ها می‌شود. وقتی مدیران عامل جایگاه خود را بی‌ثبات می‌بینند و بقای مدیریتی خود را به نتایج تیم گره می‌زنند، طبیعی است که با اولین ناکامی، برکناری سرمربی را ساده‌ترین راه برای فرار از فشارها بدانند. تصمیمی شتاب‌زده که لزوماً به بهبود شرایط تیم منجر نمی‌شود.

ریشه این رفتار را باید در ساختار مدیریتی باشگاه‌ها جست‌وجو کرد. در باشگاه‌های مستقل، مدیریت نباید با هر نتیجه نامطلوبی دستخوش تغییر شود، اما بخش قابل‌توجهی از باشگاه‌های فوتبال ایران، با وجود ادعای خصوصی بودن، در عمل خصولتی هستند. در چنین ساختاری، نتیجه‌گیری تیم می‌تواند به عاملی تعیین‌کننده برای بقای مدیران تبدیل شود؛ موضوعی که تصمیم‌های فنی را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

در مقابل، خصوصی‌سازی واقعی می‌تواند زمینه‌ساز ثبات مدیریتی شود. وقتی مدیرعامل امنیت شغلی خود را از نتایج کوتاه‌مدت تیم نمی‌گیرد و ادامه فعالیتش به تصمیم مجمع وابسته است، فرصت بیشتری برای برنامه‌ریزی خواهد داشت. ثبات سه تا چهار ساله مدیریت نیز می‌تواند به سرمربی اجازه دهد تا بدون نگرانی از برکناری زودهنگام، تفکرات فنی خود را در تیم پیاده کند.

البته نمی‌توان هر تغییرمربی را تصمیمی اشتباه دانست. گاهی سرمربی پس از ۲۰ هفته نمی‌تواند اندیشه‌های فنی خود را به بازیکنان منتقل کند و روشن می‌شود که انتخاب اولیه باشگاه درست نبوده است. در چنین شرایطی، تغییر مربی می‌تواند راهی برای خروج تیم از وضعیت نامطلوب باشد؛ هرچند موفقیت سرمربی جدید نیز تضمین شده، نیست. مسأله اصلی، تفاوت میان تصمیم فنی مبتنی بر ارزیابی کارشناسی و برکناری شتاب‌زده برای نجات موقعیت مدیران است.

برخی ممکن است تغییرات مکرر مربیان در فوتبال ایران را با فویتال کشورهای عربی مقایسه کنند، اما تفاوت مهمی وجود دارد. تغییر مربیان در آن کشورها در مقطعی به تیم‌های ملی نیز مربوط بوده، در حالی که در ایران، این روند به لیگ برتر و باشگاه‌ها کشیده شده است؛ رویکردی که می‌تواند به تضعیف ثبات فنی فوتبال منجر شود. از طرفی، اشتباه در انتخاب سرمربی نیز سهم مهمی در این چرخه دارد. وقتی باشگاهی که فصل گذشته چهاردهم شده، مربی تیم هشتم را انتخاب می‌کند، باید پرسید معیار مدیران برای چنین تصمیمی چه بوده است. مدیران باید به مربیان بدون تیم نیز فرصت بدهند و از تکرار انتخاب‌های محدود و کلیشه‌ای فاصله بگیرند. فوتبال ایران برای خروج از این دور نیل‌سلس، بیش از هر چیز به مدیریت پاسخگو، انتخاب‌های کارشناسی و فرصت دادن به مربیان نیاز دارد؛ نه تغییرات پیاپی روی نیمکت.

«ایران» برکناری زودهنگام سرمربیان فوتبال باشگاهی را بررسی می‌کند

نیمکت‌های ناامن

سینا حسینی / روزی که بیست‌وششمین دوره رقابت‌های لیگ برتر آغاز شد، کمتر کسی تصور می‌کرد که عمر همکاری برخی سرمربیان با باشگاه‌هایشان تا پایان هفته‌های ابتدایی مسابقات به پایان برسد. لیگ برتر با حضور ۱۸ سرمربی ایرانی آغاز شد، اما پیش از آنکه قطار مسابقات به ایستگاه دهم برسد، چهار سرمربی از این قطار پیاده شدند تا بار دیگر مشخص شود که در فوتبال باشگاهی ایران، نتیجه‌گرایی همچنان حرف اول را می‌زند و نیمکت‌ها از ثبات لازم برخوردار نیستند؛ جالشی که در صورت تکرار، می‌تواند به ثبات رکوردی تازه در تغییرات کادرهای فنی منجر شود.

تغییر سرمربی در فوتبال حرفه‌ای اتفاقی عادی به شمار می‌رود و اغلب شرایط فنی، نتایج ضعیف، اختلاف دیدگاه یا حتی ضرورت ایجاد انگیزه در مدیران باشگاه را وادار به امضای حکم برکناری سرمربی تیم خود می‌کند. مسأله کلیدی، اصل تغییر در رأس هرم فنی یک تیم فوتبال نیست، بلکه

شتاب‌زدگی در تصمیم‌گیری، نبود برنامه بلندمدت و ارزیابی عملکرد سرمربیان تنها بر مبنای نتایج کوتاه‌مدت است. زمانی که چند نتیجه نامطلوب می‌تواند آینده یک مربی را تحت‌تأثیر قرار دهد، این پرسش مهم برای افکارعمومی مطرح می‌شود که باشگاه‌ها تا چه اندازه به برنامه‌های فنی خود پایبند هستند و اساساً با چه معیاری سرمربیان را انتخاب می‌کنند. نبود ثبات روی نیمکت‌های لیگ برتر، آثار منفی بسیاری برای فوتبال باشگاهی دارد. هر سرمربی با فلسفه بازی، شیوه تمرین، الگوی تاکتیکی و معیارهای خاص خود وارد یک تیم می‌شود. تغییر ناگهانی کادر فنی، بازیکنان را با شرایط غیرمنتظره‌ای مواجه می‌کند؛ به‌گونه‌ای که برخی از آنها به‌واسطه سلیقه مربی جدید، از پازل فنی تیم خارج می‌شوند، زیرا قادر نیستند خود را با خواسته‌های جدید تطبیق دهند و برخی هم ممکن است با وجود بی‌تجربگی، به ترکیب اصلی راه پیدا کنند. این مسائل می‌تواند مصداق بارز بخشی از پیامدهای منفی تغییر ناگهانی

و برکناری زودهنگام باشد که در نهایت به ضرر آن تیم تمام خواهد شد. در چنین شرایطی، بازیکنان جوان بیش از سایرین آسیب می‌بینند؛ زیرا برای تثبیت جایگاه خود به فرصت، اعتماد و برنامه‌ای مشخص نیاز دارند، نه تغییرات مکرر در شیوه بازی و معیارهای انتخاب ترکیب اصلی.

از طرفی، تزلزل نیمکت‌ها می‌تواند فرصت رشد را از مربیان جوان و مستعد بگیرد. مربیگری، مانند هر حرفه دیگری، نیازمند تجربه‌اندوزی، آزمون‌وخطا و فرصت اصلاح اشتباهات است. اگر مدیران باشگاه‌ها انتظار داشته باشند یک سرمربی از همان هفته‌های نخست به نتایج مطلوب برسد، عملاً امکان شکل‌گیری پروژه‌های فنی میان‌مدت و بلندمدت را از بین می‌برند. این استراتژی نه‌تنها به پرورش نسل جدید مربیان کمک نمی‌کند، بلکه ممکن است مدیران را به استفاده مکرر از چهره‌های شناخته‌شده و امتحان‌پس‌داده سوق دهد؛ مربیانی که تنها به دلیل شهرت و سابقه انتخاب می‌شوند،

جلال چراغپور، سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

به مربی فرصت نمی‌دهند؛ از او معجزه می‌خواهند



محمد نوری سرمربی اخراجی صنعت نفت آبادان



عبدالله وایی سرمربی اخراجی ذوب‌آهن اصفهان



رسول خطیبی سرمربی اخراجی فجرسیاسی



مجتبی حسینی سرمربی اخراجی نساجی مازندران

مه‌ری رنجبر / اخراج چهار سرمربی تا پایان هفته نیم لیگ برتر فوتبال ایران، بار دیگر نگاه‌ها را به تصمیم‌های شتاب‌زده مدیران باشگاه‌ها و غلبه نتیجه‌گرایی بر برنامه‌ریزی بلندمدت معطوف کرده است؛ تغییراتی که نه‌تنها موفقیت تیم‌ها را تضمین نمی‌کند، بلکه گاهی با برهم‌زدن ساختار فنی و روابط درون تیمی، شرایط را دشوارتر می‌کند. در فوتبال ایران، نیمکت مربیان بیش از آنکه به ثبات و فرصت‌دادن به کادر فنی وابسته باشد، زیر سایه نتایج کوتاه‌مدت و فشار هواداران قرار دارد؛ روندی که حتی تیم‌های پالی جدول نیز ممکن است از آن در امان نمانند. جلال چراغپور، کارشناس فوتبال، در گفت‌وگو با «ایران» معتقد است: «تغییرات زودهنگام مربیان ریشه در نگاه کوتاه‌مدت مدیران باشگاه‌ها دارد و عوامل فنی، روابط رختکن و فشارهای بیرونی در این تصمیم‌ها نقش دارند.»

چراغپور درباره دلایل تغییر سرمربیان به صورت زودهنگام از سوی مدیران باشگاه‌های فوتبال می‌گوید: «در فوتبال، استراتژی جدول، استراتژی تیمی و تاکتیک‌ها و تکنیک‌های فردی وجود دارد. وقتی یک چهارم مسابقات برگزار می‌شود، بخشی از کیفیت تیم مشخص خواهد شد. ممکن است بازیکنی در پست مناسبی به کار گرفته نشده باشد یا با وجود فعالیت زیاد، کارایی لازم را نداشته باشد. فوتبال فقط عملکرد انفرادی نیست. بعضی پست‌ها دوفره تعریف می‌شوند؛ مانند مدافع راست و هافبک راست

چراغپور درباره دلایل تغییر سرمربیان به صورت زودهنگام از سوی مدیران باشگاه‌های فوتبال می‌گوید: «در فوتبال، استراتژی جدول، استراتژی تیمی و تاکتیک‌ها و تکنیک‌های فردی وجود دارد. وقتی یک چهارم مسابقات برگزار می‌شود، بخشی از کیفیت تیم مشخص خواهد شد. ممکن است بازیکنی در پست مناسبی به کار گرفته نشده باشد یا با وجود فعالیت زیاد، کارایی لازم را نداشته باشد. فوتبال فقط عملکرد انفرادی نیست. بعضی پست‌ها دوفره تعریف می‌شوند؛ مانند مدافع راست و هافبک راست

محمد نوری، پیشکسوت فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

باید برای مربیان جوان حاشیه امن ایجاد کرد



مربیان روی نیمکت تیم‌های مختلف را زنگ خطر برای فوتبال ایران می‌دانند و می‌گویند: «حدود ۱۷ تا ۱۸ مربی به‌صورت چرخشی روی نیمکت‌ها می‌نشینند و این زنگ خطر برای فوتبال ماست. چنین شرایطی مربیان جوان را می‌سوزاند و باعث می‌شود خیلی باشگاه هم شوک مثبت دارد و هم منفی؛ اما در اغلب مواقع، مدیریت روی با اشاره به پیامدهای تغییرات زودهنگام مربیان در فوتبال ایران می‌گوید: «تغییر سرمربی در هر باشگاه هم شوک مثبت دارد و هم منفی؛ اما در اغلب مواقع، مدیریت روی با اشاره به پیامدهای تغییرات زودهنگام دیگری وامی‌دارد. شاید شوک واردشده اثرگذار باشد، اما نگاه نتیجه‌گرایی عمر مربیگری افراد می‌زند. در این میان، تنها کسانی که سود می‌برند، واسطه‌ها هستند.»

ایین پیشکسوت فوتبال تکرار نام

ایجاد ثبات بیشتر، قوانین مشخصی تدوین کنند. او در ادامه توضیح می‌دهد: «جایگاه متزلزل مربیان سال‌هاست گریبان لیگ را گرفته است. مربیان همیشه نگران نتیجه هستند و می‌ترسند که مبادا امروز پایان کارشان باشد. با تدوین قوانین ویژه می‌توان حاشیه امنی برای مربیان جوان ایجاد کرد. البته جوان‌ها باید مسیر مربیگری را از دوره‌های ارتقای دانش آغاز و با هدایت تیم‌ها در لیگ‌های پایین‌تر، راه خود را به لیگ برتر باز کنند.»

پیشکسوت فوتبال ایران با اشاره به تجربه لیگ‌های اروپایی می‌گوید: «به جای اینکه مرتب از باشگاه‌داری و فوتبال حرفه‌ای حرف بزنیم، باید از سیستم باشگاه‌داری، نحوه تخصیص امکانات و مدیریت حرفه‌ای الگوبرداری کنیم. کار مربی فقط به بخش فنی محدود نمی‌شود، بلکه عملکرد او به امکانات و حمایت مدیریت باشگاه هم بستگی دارد. اصلاح شرایط نیمکت‌های لیگ برتر تنها با تغییر سرمربی محقق نمی‌شود؛ بلکه به ثبات مدیریتی، حمایت از مربیان و فراهم‌کردن فرصت برای پیشرفت نیروهای جوان نیاز دارد.»

نه تناسب برنامه‌هایشان با نیازهای واقعی باشگاه، نکته قابل‌تأمل آن است که تا چندین پیش، کارشناسان فوتبال ایران، نگاه نتیجه‌محور مدیران باشگاه‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس را از نقاط ضعف ساختار فوتبال این کشورها می‌دانستند؛ رویکردی که به ضعف فنی برخی باشگاه‌ها در سطح کلان منجر شد، تا حدی که تعدادی از آنها از دایره مدعیان آسیایی خارج شدند و همچنان با چالش‌های بزرگی مواجه هستند. براین اساس، تکرار سیاست غلط نتیجه‌گرایی در فوتبال باشگاهی ایران می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری برای فوتبال باشگاهی ما داشته باشد و باید در این روند، تجدیدنظر جدی صورت گیرد.

در اینکه مدیران باشگاه‌ها با فشار هواداران، انتظارات مالکان و ضرورت کسب نتیجه مواجه هستند، هیچ تردیدی نیست، اما پیش از تصمیم به برکناری یا اخراج سرمربی، باید تمامی الزامات فنی به‌درستی طی شود، نه اینکه گزینه اول و آخر، اخراج سرمربی

بازیکنان اختلافات شخصیتی، رفتاری یا روانی دارد و مدیران ترجیح می‌دهند به جای کنار گذاشتن بازیکن شاخص، سرمربی را برکنار کنند. معمولاً بازیکنان باسابقه، کاپیتان‌ها یا بزرگ‌ترهای تیم، گروه‌های سه یا چهارنفره‌ای دارند. اگر مربی جدید به یکی از اعضای این گروه بازی ندهد، ممکن است با مجموعه‌ای روبه‌رو شود که بر تصمیم مدیران تأثیر می‌گذارد. اتفاقی شبیه آنچه درباره وحید هاشمیان در پرسپولیس مطرح شد. گاهی مدیر باشگاه با میل و رغبت تصمیم به تغییر مربی نمی‌گیرد و جریان‌های درون تیم در این تصمیم مؤثرند. در فوتبال، مسائل فنی و انسانی بسیاری وجود دارد و برکناری مربی به معنای حل آنها نیست. به اعتقاد من، در ۷۵ درصد موارد، تیم پس از برکناری مربی نیز به نتیجه مطلوب نمی‌رسد.»

چراغپور درباره انتخاب مربیان جایگزین توضیح داد: «مربی بیکار زیاد است و طبیعتاً برای نتیجه نگرفتن دلایل زیادی دارد. می‌تواند بگوید وقتی تیم را تحویل گرفته که ترکیب پسته چندان مناسب نبوده است، حتی تیم سیزدهم را تحویل می‌گیرد و دهم تحویل می‌دهد و این را دست‌آورد خود می‌داند؛ در حالی که چنین ارزیابی‌ای لزوماً تصویر درستی از عملکرد او نیست. موفقیت با تغییر مربی تضمین نمی‌شود. باید از مدیر باشگاه پرسید چگونه پنج هفته قبل، مربی برکنارشده را بهترین گزینه برای هدایت تیمی با هزینه ۴۰۰ میلیاردی دانسته، اما پس از چند هفته تصمیم به کنار گذاشتن او گرفته است؟ معمولاً مدیر زیر سؤال نمی‌رود و تمام تقصیرها متوجه سرمربی می‌شود. مربی دوم نیز ممکن است بگوید بازیکنان را انتخاب نکرده و تیم را در شرایط

مجید جلالی، کارشناس فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

با نتیجه‌گرایی، جایی برای پیشرفت مربیگری باقی نمی‌ماند



کار ملاک مشخصی برای انتخاب سرمربی نداشته و برای اهداف خود برنامه‌ریزی نکرده و این مسأله تقریباً فراگیر شده است و به تیم‌های پایین و میانه جدول اختصاص ندارد. تغییرات غیرطبیعی نیست و در همه دنیا اتفاق می‌افتد، اما بعد از ۹ هفته، این تعداد جابه‌جایی نشان می‌دهد یک جای کار ایراد دارد.»

عمر مربیان جوانه می‌شود. در تحقیقاتی که سال گذشته درباره نیمکت‌های مربیگری در ۲۳ دوره

باشد. فوتبال ایران برای عبور از این چرخه تکراری، به تغییر نگاه مدیریتی نیاز دارد. تدوین برنامه فنی مشخص، تعیین انتظارات واقع‌بینانه، ارزیابی مستمر عملکرد مربیان و حمایت از پروژه‌های سازنده می‌تواند زمینه ثبات بیشتر را فراهم کند. همچنین باشگاه‌ها باید در انتخاب سرمربی، تناسب اندیشه‌های فنی او با امکانات، ترکیب بازیکنان و اهداف مجموعه را در اولویت قرار دهند. زمانی که تغییرات بدون برنامه روشن و در واکتش به نتایج کوتاه‌مدت صورت می‌گیرد، یعنی مدیران باشگاه‌ها برای حفظ جایگاه خود به سراغ این راه‌حل رفته‌اند؛ درحالی‌که پیش از این اقدام، باید مسیر موفقیت فراهم شود تا یک تیم به موفقیت دست یابد. فوتبال باشگاهی ایران زمانی می‌تواند به رشد فنی پایدار دست یابد که موفقیت را تنها در نتیجه یک مسابقه یا چند هفته جست‌وجو نکند و برای ساختن تیم، پرورش مربی و توسعه استعدادها نیز به همان اندازه اهمیت قائل شود.

نامناسبی تحویل گرفته است. اگر بخواهد اصلاحات گسترده انجام دهد، شاید منافع گروه‌های درون تیم را به خطر بیندازد. در نتیجه، او هم عقب‌نشینی می‌کند و تیم بیشتر آسیب می‌بیند.»

چراغپور درباره شیوه انتخاب سرمربیان در فوتبال ایران می‌گوید: «درخواست برنامه از مربی به‌تنهایی معیار مناسبی برای انتخاب نیست. برنامه‌های تمرینی مربیان از تجربیات شباهت زیادی به یکدیگر دارد؛ از تمرینات بدنسازی تا کارهای دفاعی و هجومی. تفاوت اصلی در تفکر، نگرش به بازی، مدیریت تیم و سابقه حرفه‌ای مربی است. امروزه شکل بسیاری از تمرینات مشابه است؛ از پاسکاری و جابه‌جایی بازیکنان تا حملات عمودی و ارسال از کناره‌ها. بنابراین، آنچه مربیان را متمایز می‌کند، نگاه آنها به فوتبال است. یک مربی به بازی کوتاه و پاسکاری علاقه دارد و دیگری شیوه متفاوتی را ترجیح می‌دهد. در هیأت مدیره نیز گاهی فرد قدرتمندتر، گزینه مودرن‌تر خود را تحمیل می‌کند. موفقیت مربی فقط به تفکر او وابسته نیست، ابزار در اختیارش نیز اهمیت دارد. اگر هماچم‌گزن، هافبک توانمند یا دروازه‌بان مطمئن نداشته باشد، کار دشوار می‌شود. باید بررسی کرد که موفقیت یک مربی حاصل دانش فنی بوده یا کیفیت بازیکنان و شرایط تیمی.»

این کارشناس فوتبال با اشاره به نقش عوامل بیرونی بویژه لیدرهار در برکناری مربیان در فوتبال باشگاهی گفت: «گاهی لیدرها و گروه‌هایی از هواداران یا باشگاه‌هایی مانند احیا کن، رهاکن» مدیرعامل را برای تغییر مربی تحت فشار می‌گذارند. در چنین شرایطی ممکن است گزینه‌ای روی کار بیاید که از ابتدا مودرن‌تر هیأت مدیره بوده است. بنابراین پس از کنار گذاشتن مربی اول، گزینه دوم به‌عنوان آخرین گزینه مطرح می‌شود. اگر نتیجه بگیرد، مدیران تصمیم خود را درست جلوه می‌دهند و اگر نتیجه نگیرد، محدودیت‌های تیم را بهانه می‌کنند. در این میان، آنچه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، برنامه بلندمدت باشگاه و هزینه تغییرات بی‌دری برای ساختار فنی تیم است.»

مربیگری در لیگ برتر ما به‌طور متوسط حدود ۱۶.۲ هفته است.» او ادامه می‌دهد: «این شرایط، شجاعت را از مربیان می‌گیرد و جایی برای پیشرفت باقی نمی‌گذارد. همه چیز حول محور نتیجه می‌چرخد و متأسفانه مربیان جوان ما هم می‌سوزند؛ البته نقش واسطه‌ها را نباید نادیده گرفت. تجربه فوتبال جهان، نه حکم می‌کند مربیان جوان از فرصت محروم شوند و نه تضمین می‌دهد هر چهره سرشناسی، بدون طی کردن مراحل حرفه‌ای، آماده هدایت یک تیم لیگ برتری باشد.»

وی با انتقاد از نبود برنامه مشخص برای بررسی و حمایت از مربیان، خواستار توجه بیشتر فدراسیون فوتبال به این مسأله می‌شود: «فدراسیون فوتبال کارهای زیادی انجام می‌دهد، اما برای خیلی از مسائل دگر-برنامه‌ای ندارد. آریا تاکنون از سازمان لیگ و فدراسیون، خروجی یا تحقیقی درباره نیمکت مربیان دیده‌اید؟ چرا مربی می‌رود و می‌آید؟ فقط روزمربی است. اکنون هم چون قادر به جذب مربیان خارجی نیستیم، در وطنی حمایت می‌کنیم. دلیلی هم نمی‌بینند که پارامتری برای حمایت از مربیان تعریف کنند.»